



کشورهای دسته اول نظیر ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، یونان، مزایای ناچیزی در اختیار بیکاران قرار می دهند؛ دسته دوم کشورهایمانند ایرلند و بریتانیا هستند، دسته سوم کشورها مانند فرانسه و بلژیک، و کشورهای دسته چهارم که سیاستهای اشتغال محور گسترده اجرا می کنند مانند هلند، آلمان، دانمارک و سوئد می باشند.

موضوع نخست آن است که تحلیل ویژگیهای رژیمهای رفاهی خاص، که کشورهای اروپایی را از هم جدا می کند؛ هر

رژیم رفاهی براساس همان ویژگیهای خود سیاست خاصی را نیز در برخورد با بیکاری دنبال کرده است. موضوع دوم اینکه، چطور این رژیمهای رفاهی با الگوهای زندگی خانوادگی و همبستگی خانوادگی در تعامل اند یا تحت تأثیر الگوهای مختلف زندگی خانوادگی

-Welfare Regimes and the Experience of Unemployment in Europe
- Duncan Gallie and Serge Paugam
- Oxford University Press
- 0002. Pp. xix+421



با افزایش نرخ بیکاری از دهه ۷۰ میلادی به بعد در سراسر اروپا معضل بیکاری و به تبع آن مسئله اشتغال به عنوان مشکلی اساسی تلقی می شود. این مسئله موجب نگرانی سیاستمداران، اقتصاددانان و سایر بازیگران عرصه سیاست شده است و نظامهای رفاهی را به انحای مختلف تحت تأثیر گذاشته است. کشورها، با نظامهای رفاهی مختلف، هر یک به نحو گوناگون به مقابله با این مسئله پرداخته اند. موضوع

اصلی کتاب، طرح و بررسی این راه حل هاست. بر این اساس، کتاب سه موضوع را دنبال می کند. البته باید گفت در سراسر کتاب، توجهی کلی و متمرکز بر مبانی نظری - که در فصل مقدمه آمده است - مشاهده می شود. این توجه چنان است که تمام نویسندگان مرتباً به این مبانی نظری ارجاع می دهند.

نوع رژیم رفاهی	پوشش	سطح و پوشش	دوره	سیاست فعال	اشتغال
1. نیمه حمایتی (sub-protective)	بسیار ناقص	خیلی ضعیف		شبه حضور (تقریباً وجود ندارد)	
2. لیبرال/حداقل (liberal/minimal)	ناقص	ضعیف		ضعیف	
3. اشتغال-محور (employment centered)	متغیر	نابرابر		وسیع	
4. فراگیر (universalistic)	جامع	بالا		خیلی گسترده	

بافزایش نرخ بیکاری از دهه ۷۰ میلادی به بعد مسئله اشتغال به عنوان مشکلی اساسی تلقی می شود؛ این مسئله موجب نگرانی سیاستمداران، اقتصاددانان و سایر بازیگران عرصه سیاست شده و نظامهای رفاهی را به انحای مختلف تحت تاثیر گذاشته است

Insurance for all and everything
W. H. Beveridge
Daily News, Ltd
43291, pp 0

کتاب «بیمه برای همه و برای همه» نوشته بنیانگذار دولت رفاهی، چیز» اثری کلاسیک در تامین اجتماعی به شمار می آید. اگرچه مباحث این کتاب ممکن است به نظر ابتدایی برسند اما اهمیت آن در این است که در اوایل قرن گذشته این مسئله توسط یک مصلح اجتماعی مطرح شده است. در این کتاب نویسنده انواع ریسکهای را که بیمه اجتماعی باید تحت پوشش خود قرار دهد به پنج گروه تقسیم کرده است: سالمندی، حوادث محیطهای صنعتی، بیماری (شامل از کار افتادگیهای پیش از بازنشستگی)، بیکاری و زنان بیوه. آگاهی از این که در ارتباط با چهار نوع از این ریسکها چه اقداماتی انجام شده برای بسیاری موضوعی جالب توجه است. نویسنده معتقد است که پول تخصیص یافته برای بیمه اجتماعی کافی است، به شرطی که هم برای نیازهای کنونی و هم برای نیازهای ضروری سیستم در حال توسعه هزینه گردد. و به صورت شایان توجهی به این موضوع پرداخته و جنبه های مثبت و منفی آن را روشن کرده است. در آن کتاب اندیشه های علم طرح شده و جا آن دارد که اقتصاددانان و اهل فن و تمام علاقه مندان به بیمه اجتماعی آن را مورد مطالعه قرار دهند.

محمد اونق

قرار می گیرند. بریتانیا و ایرلند که نظام حمایت فراگیر حداقلی (universal minimum protection) دارند تاکید فزایندهای روی آزمون استطاعت مالی (means testing) دارند یعنی همان مدل لیبرال حداقلی (liberal/ minimal model) برخی تفاوتهای مربوط به ساختهای خانواده نیز در این مطالعه آمده است: به طور نمونه ساختهای خانواده در ایرلند، بریتانیا یا فرانسه و آلمان متفاوت است. سؤال دیگر این مطالعه این است که چگونه نظامهای مختلف به چالشهای ناشی از تغییرات در بازار کار بین نیمه ۱۹۸۰ تا نیمه ۱۹۹۰ پاسخ داده اند؟ نتایج به دست آمده نشان می دهد که در میانه ۱۹۸۰ انتقالی نقدی در بر داشتن فقر بیکاری قبل از این انتقالیها (pre-transfer) بویژه در دانمارک مؤثرتر از بقیه کشورها بوده است. دانمارک سطح تاثیر انتقالی نقدی (cash transfer) را بر فقر بیکاری حفظ کرده است. در سوئد (که بیکاری خیلی سریع در این دوره رشد کرده است) اثر انتقالی نقدی بسیار متفاوت بوده است. تا اوایل دهه ۱۹۹۰ انتقالیها در این شرایط مؤثرتر بوده اند اما میزان فقر بعد از انتقالیها (postcash transfer) در میان بیکاران هنوز در دانمارک بالا است. در فرانسه و آلمان که رژیمهای رفاهی نسبتاً مشابهی دارند نیز تجربه های واگرایی و متفاوتی در این دوره داشته اند. در فرانسه اثر انتقالی نقدی افزایش یافت، بنابر این میزان بعد از فقر بعد از انتقالی posttransfer برای بیکاران ثابت باقی ماند. علیرغم اینکه افزایشی در فقر ما قبل انتقالی (pre-transfer poverty) وجود داشته است.

پی نوشت:

۱) برای مطالعه ترجمه فارسی برخی فصول این کتاب به سایت زیر مراجعه کنید:
<http://welfaresystems.persianblog.com/>

منبع:

Culppitt, Ian, American Journal of Sociology,
00029602, May2001, Vol. 106, Issue 6

هستند. نویسندگان مقالات نه تنها تأیید کرده اند که این الگوهای زندگی خانوادگی تحت تاثیر الگوهای رفاهی مختلف اند، همچنین تأیید می کنند که تحت تاثیر سنتهای ملی فرهنگی نیز قرار دارند.

موضوع سوم اینکه که دو موضوع قبلی را در شرایط اقتصادی اجتماعی خاص هر کشور اروپایی تحلیل و بررسی کرده اند که وضع این شرایط تحت تاثیر سطوح مختلف توسعه اقتصادی و نیز ماهیت نوسازی اقتصادی این کشورها چگونه بوده است. بیشتر مقالات نشان داده اند که هیچ مدلی کاملاً بر یک کشور خاص منطبق نیست، لذا مدلهای رفاهی برای تحلیل ما نسبی اند و لذا هر کشور باید سیاست خاص خود را به پیش ببرد.

در یکی از مقالات یعنی «فقر و نقش حمایت اجتماعی» (Poverty and the role of social protection) سؤال اصلی مورد بررسی نویسندگان اثر انتقالی نقدی بر فقر در میان بیکاران است. یعنی رابطه بین اثر انتقالی نقدی (cash transfer) بر فقر در میان بیکاران و ماهیت رژیمهای رفاهی در کشورهای مختلف چیست؟

رابطه بین رژیمهای رفاهی و حد فقر و بیکاری بسیار مناقشه آمیز است؛ البته باید گفت که اقتصاددانان بر رابطه بین سطح بیکاری و حد دست و دلبری در فراهم کردن رفاه برای بیکاران تأکید می کنند. اما در این مطالعه نویسندگان به یک معنی سطح بیکاری را در کشورهای مختلف در یک زمان خاص ثابت گرفته و در جستجوی محاسبه اثر انتقالیها در رفع فقر در میان بیکاران بوده اند. حال باید دید که این مسئله در میان رژیمهای رفاهی مختلف چگونه بوده است؟

با در نظر گرفتن چهارچوب نظری نویسندگان که همان چهارچوب نظری کتاب است تقریباً شش کشور در سه گروه قرار می گیرند. سوئد و دانمارک کشورهایی اند که سطح بالایی حمایت از استانداردهای زندگی را برای همه بیکاران فراهم می کنند. یعنی مدلی فراگیر (universalistic model).

آلمان و فرانسه بر اساس حمایت از استانداردهای زندگی کسانی که تجربه کار طولانی مدت را دارند و حمایت حداقل از کسانی که این تجربه را نداشته اند نظامهایی را تعریف کرده اند که در مدل اشتغال محوری